



## بررسی مولفه‌های زیباشناسی دیونوسیوس مجعول در نماهای شهری

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۵

### پروانه قریب گرکانی

دانشجوی دکتری فلسفه هنر، گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [gharibazin@yahoo.com](mailto:gharibazin@yahoo.com)

### اسماعیل بنی‌اردلان

دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) [bani.ardalan@art.ac.ir](mailto:bani.ardalan@art.ac.ir)

### شمس الملوک مصطفوی

دانشیار، گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [sha\\_mostafavi@yahoo.com](mailto:sha_mostafavi@yahoo.com)

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** دیونوسیوس مجعول یکی از افراد تاثیرگذار در پیدایش نوع نگرش به زیبایی با دیدگاه نوافلاطونی می‌باشد و تکمیل‌کننده صحبت‌های او بوده است، هنرمندان گوناگون از بسط و ترویج صحبت‌های وی قادر به ساخت اثر زیبا می‌باشند. این پژوهش با هدف استخراج مولفه‌های زیبایی ذکر شده از نظر دیونوسیوس مجعول و بررسی آن در نماهای شهری صورت پذیرفته است.

**روش پژوهش:** مطالعات اسنادی صورت گرفته در زمینه زیبایی بوسیله تحلیل گراند تئوری و با انواع کدگذاری، سعی بر استخراج مولفه‌های زیبایی دیونوسیوس از متون مختلف دارد. مولفه‌های استخراج شده در تحقیق پیمایشی به بررسی این مولفه‌ها در نماهای شهری می‌پردازد. جامعه آماری (نماهای خانه‌های مسکونی در کلان شهر تهران) در بخش کمی شامل کاربران فضای شهری می‌باشد که بر اساس جدول مورگان ۳۷۳ نفر از کاربران انتخاب شده‌اند و در بخش کیفی مطالعات هدفمند و بر اساس نمونه‌گیری مطلوب صورت می‌گیرد. تحقیق از نوع ترکیبی کیفی در کمی می‌باشد که ابتدا مولفه بوسیله نرم افزار Atlasti استخراج و سپس بوسیله پرسشنامه مورد بررسی برای میزان سهم عاملی هر مولفه در نرم افزار Spss قرار می‌گیرد.

**یافته‌ها:** بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هماهنگی، تناسب، مساوات رنگ، اشکال هندسی، قابل درک بودن همگی دارای ضریب تعیین (۱/۰۰۰) می‌باشند و اولین متغیرهایی بودند که وارد مدل شده است و بیشترین رابطه را با زیبایی نماهای شهری دارند و کثرت و فراوانی با مقدار (۰/۳۸۳)، نیز آخرین متغیری بود که وارد مدل شده بود و کمترین رابطه را با زیبایی نماهای شهری دارد.

**نتیجه گیری:** در این پژوهش قوانینی که بنیان و هسته اصلی تناسبات را تشکیل می‌دهند را می‌توان از نوشته‌های دیونوسیوس مجعول استخراج کرد و در مورد نماهای شهری مورد بررسی قرار داد. مشخص شد که مخاطبین فضایی اشکال و اجزای را که نتوانند درک کنند و یا نتوانستند ارتباطی بین اجزای آن از لحاظ فرمی پیدا کنند، زیبا ندانسته‌اند و قابل فهم بودن به حدی که بتواند در ذهن مخاطبین طرحواره تشکیل دهد نقش تعیین‌کننده‌ای در خلق زیبایی یک اثر دارد. همچنین در راستای بهره‌وری زیبایی در نماها راهکارهایی پیشنهاد می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** زیباشناسی، دیونوسیوس مجعول، نماهای شهری

## مقدمه

مقوله زیبایی و به تبع آن زیباشناسی، نه تاریخ آغاز دارد و به نظر می‌رسد که نه تاریخ پایانی برای آن بتوان بیان کرد. از ابتدای تاریخ فلسفه و از آن زمان که بشر به طور مدون به تفکر پرداخت، بحث پیرامون زیبایی بوده است. برای ورود به موضوع در ابتدا باید بیان شود که مقوله‌ای به عنوان زیبایی مفروض است که برای انسان به عنوان مفعول و معلول علتی مطرح می‌شود. اساساً آن دسته از پدیده‌ها مورد مذاقه قرار می‌گیرند که در انسان موجب تحول و تغییر شوند. به عبارت ساده‌تر، آنچه که ما را به مفهوم زیبایی نزدیک می‌گرداند، در مرحله اول شناخت درونی انسان است و نه هویت اصلی زیبایی؛ آنچه که زیبایی را در مرحله شناخت به عنوان پدیده‌ای مجهول معرفی می‌کند، چیزی نیست جز جهل از شناخت انسان. هرچه انسان به عنوان مفعول این فاعل و یا معلول این علت، بیشتر مورد مذاقه قرار می‌گیرد، هویت آن علت و یا فاعل که زیبایی باشد، روشن‌تر خواهد بود. اساساً موضوعات و پدیده‌هایی که در علوم انسانی مطرح می‌شوند و بشر نتوانسته به آنها دست یابد و یا تعریفی درست از آنها ارائه کند، موضوعاتی بوده‌اند که ارتباط مستقیم و نزدیک با خود انسان داشته‌اند؛ به عبارت دیگر نبود تعاریف جامع و کامل به علت نبود تعریف جامع و کامل از خود انسان است. در اینجا نیز با این مسئله روبرو هستیم که زیبایی از آن دسته موضوعاتی است که به طور مستقیم با انسان در ارتباط است و این موضوع یعنی پیچیدگی تعریف و تفهیم آن، تا زمانی که انسان درست و به طور جامع تعریف نکرده.

زیبایی نیز در هاله‌ای از ابهام است. اگر انسان از دیدگاه مادی مطرح شود، زیبایی چیزی جز ماده نیست. دیونوسیوس مجعول<sup>۱</sup> در اواخر قرن پنجم و نیمه نخست قرن ششم میلادی می‌زیست و قرن‌ها به علت اینکه خود را شاگرد پولس می‌نامید به عنوان یه قدیس شناخته می‌شد. او را به عنوان یک فیلسوف نوافلاطونی<sup>۲</sup> می‌دانند که چهار رساله و ده نامه از او باقی مانده است (ایلخانی ۱۳۸۹، ۷۰):

- اسماء الهی<sup>۳</sup>

- کلام باطنی<sup>۴</sup>

- سلسله مراتب آسمانی<sup>۵</sup>

- سلسله مراتب روحانیت<sup>۶</sup>

بسیاری از نویسندگان آثار گوناگون تحت تاثیر آثار دیونوسیوس می‌باشند و توانستند براساس آثار و نظرات او به طراحی ساختمان‌ها و نماهای شهری بپردازند.

خیلی از مفاهیم ذکر شده توسط وی در دوران مدرن و در نماهای شهری مورد استفاده قرار گرفت. این پژوهش با هدف استخراج و راستی‌آزمایی مولفه‌های ذکر شده توسط دیونوسیوس مجعول سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که مولفه‌های زیبایی دیونوسیوس چیست و کدام یک دارای تاثیر بیشتری می‌باشد.

## ۱- زیبایی

تعاریف گوناگونی از زیبایی ارائه شده است. در فرهنگ معین، زیبایی به حالت و کیفیت تعریف شده است: زیبایی نظم و هماهنگی است که همراه عظمت و پاکی در شی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات انسانی را تحریک می‌کند، در زبان عربی جمال به زیبایی فراوان ناشی از ترکیب به‌جا و متناسب چند چیز در حداقل ممکن می‌گویند و حسن علاوه بر دلسوزی بر نیکی هم دلالت دارد (معین ۱۳۷۶، ۵۵). در یونان باستان زیبایی «کالون»<sup>۷</sup> شناخته می‌شود و در نظر فیلسوفان آن عصر صفتی بود که در درون انسان سرور و رضامندی ایجاد می‌کرد. افلاطون<sup>۸</sup> زیبایی را هماهنگی اجزا با کل می‌داند (پارسا ۱۳۹۵، ۹۷). به قول او زیبایی یکی از مفاهیم سه‌گانه‌ای بود که احکام ارزشی به آنها منسوب بود و عبارت بودند از: زیبایی، حق و خیر (اکو ۱۳۹۰، ۴۱). علامه جعفری می‌گوید «زیبایی مجموعه‌ای نگارین است که هر یک از اجزا آن کمال وجود خود را بدون تزامم با اجزا دیگر نمودار می‌سازد» (احمدی ۱۳۷۴، ۱۶۰). گالاستا زیبایی را آنچه ناگفتنی است و کشف آنچه کشف نشدنی است معرفی می‌کند (طاهباز ۱۳۷۷، ۷۸). در واژه‌شناسی انگلیسی زیبایی یعنی «beauty» که ریشه لاتین آن «bellus» به معنی زیبا مشتق شده از واژه «belle» به معنی زن زیبا و در فرهنگ لغات چنین تعریف می‌شود، ویژگی چیزها، آواها، احساس‌ها یا مفاهیم عقلانی و مانند آن که با کمال به دست آمده است و از آمیزش هماهنگ عناصر گوناگون، احساس آدمی را به درجات بالایی برمی‌انگیزد، در مقایسه چهار تعبیر ذکر شده فوق، آنچه در نگاه سنتی خود شاهد هستیم، نیکی، دلپسندی و ادراک صحیح و شایسته از رابطه انسان و محیط اوست که باید در نهایت هماهنگی و از جنس احکام ارزشی نمایش داده شود (صارمی ۱۳۹۳، ۷۴). به نقل از رابرت کوان (۲۰۰۵) «زیبایی کیفیتی است که به طور واضح‌تر منجر به لذت زیبایی‌شناختی می‌شود». او زیبایی را ترکیبی از کیفیاتی نظیر شکل، رنگ یا فرم که موجب خشنودی



(مأخذ: پارسا، ۱۳۹۵)

به طور کلی در طول تاریخ فلاسفه و اندیشمندان نظریات مختلفی را در باب زیبایی ارائه داده‌اند که تعاریف استخراج شده درباره «زیبایی و زیبایی‌شناسی» از دیدگاه اندیشمندان مختلف بر اساس منابع مطالعه شده در جدول زیر آورده شده است:

حواس زیبایی‌شناسانه، به خصوص بینایی می‌شوند تعریف می‌کند (صارمی ۱۳۸۶، ۱۱). از دیدگاه روانشناسی مازلو زیبایی را جزو نیازهای رده بالای انسان نام برده است، وی نیازهای انسان را به دو گروه اصلی نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه دسته‌بندی کرده است. نیازهای اولیه انسان را به چهار گروه نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای امنیتی، نیاز به محبت و نیاز به عزت نفس، و نیازهای ثانویه یا رده بالا را به سه گروه نیازهای شناختی و ادراکی، نیاز به زیبایی و نیاز به خودشکوفایی تقسیم کرده است. وی معتقد است بعداز اینکه نیازهای اولیه برآورده شدند، نیازهای عالی یا ثانویه مطرح می‌شوند (پارسا ۱۳۹۵، ۹۶-۸۷).

شکل ۱: نیازهای انسان از دیدگاه مازلو

جدول ۱: زیبایی و زیبایی‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان و فلاسفه

ردیف	نظریه پرداز	تعاریف ارائه شده (زیبایی)	منبع
۱	-	زیبایی در مورد بنا امری عرضی و سطحی یا تبعی و ضمنی نیست. زیبایی یا نظام متقن از گام نخستین باید در تاروپود بنا داخل شود.	نخستین درس زیبایی‌شناسی، محمدمهدی فولادوند
۲	بومگارتن	استتیک (نظریه هنر آزاد، آیین آگاهی فرودست، هنر زیبا اندیشیدن، هنر قیاسی خرد) همان علم آگاهی محسوس است.	
۳	سقراط	زیبا دشوار است زیبایی نمی‌تواند تناسب باشد چون تناسب باعث می‌شود که چیزها زیبا بنمایند و از آنجا که علت چیزی نمی‌تواند خود آن چیز باشد پس تناسب نمی‌تواند خود زیبایی باشد.	حقیقت و زیبایی، بابک احمدی
۴	سقراط در مکالمه با فایدون	به نظر من چنین می‌آید که وقتی چیزی زیباست یگانه علت زیبایی آن این است که از خود زیبایی چیزی در آن است و به عبارتی دیگر از خود زیبایی بهره‌ای دارد.	
۵	برک	زیبایی زاده خرد نیست، قرار نیست به ما بهره و سودی برساند، کیفیتی است در بدن‌ها، اجسام و کنش‌ها که به گونه‌ای مکانیکی و به دلیل دخالت حس‌های گوناگون در ذهن جای می‌گیرد.	
۶	قدیس توماس آکویناس	زیبایی آن چیزی است که در دیده شدن خوشایند است.	تاریخ و مسائل زیبایی‌شناسی،
۷	قدیس آگوستین	عدد هم برای وجود و هم برای زیبایی اساسی است، زیبایی صورت جسمانی را بسنجد تا دریابد که هر چیزی در جایش عدد است	بیردزلی و جان هاسپرس
۸	افلاطون	زیبا آن چیزی است که مفید باشد و هر چه زیبا آور باشد زشت است.	
۹	شفتسبری	هر چیز زیبا حقیقت دارد.	مقدمه بر زیبایی، گنورگ
۱۰	هردر	هر آنچه زیباست مبتنی بر حقیقت است. هر چیز زیبا باید به خیر و حقیقت راه برد.	ویلهم فردریش هگل
۱۱	گوته	زیبایی تجلی قانون‌های پوشیده طبیعت است	
۱۲	لالاند (۱۹۲۶)	هر آنچه به زیبایی مرتبط شود و هر آنچه منش زیبایی را تعریف کند. علمی که موضوعش داوری و ارائه حکم باشد درباره تفاوت میان زشت و زیبا.	حقیقت و زیبایی، بابک احمدی
۱۳	فولکیه (۱۹۶۲)	علمی که داوری و ارائه حکم درباره زشت و زیبا را ممکن کند به تأکید درآمده که امروزه به کار می‌رود. دانش اثباتی که موضوعش زیبایی هنری باشد مترادف با فلسفه هنر.	حقیقت و زیبایی، بابک احمدی
۱۴	مونتسکیو	هرگاه نگرش یک موضوع فایده‌ای با واسطه به همراه داشته باشد آن احساس زیبایی‌شناختی است	تاریخ و مسائل زیبایی‌شناسی، مونروسی بیردزلی و جان هاسپرس

(مأخذ: نگارنده)

جدول ۲: اصول زیبایی در کلام اندیشمندان و عدد تکرار آنها در تعاریف مستخرج

اصل مورد کاربرد	نظم و ترتیب	توازن و تناسب	تقارن	عدد	همانگی ابعاد	هندسه
تعداد تکرار	۳	۳	۳	۲	۲	۳

(مأخذ: نگارنده)

براساس تعاریف مستخرج از منابع مطالعه شده، برخی اصول به کار رفته در کلام اندیشمندان به منظور تعریف زیبایی مکرراً استفاده شده است که این اصول به عنوان برخی از اصول اصلی زیبایی استخراج شده و تعداد تکرار آنها در جدول شماره ۲ آورده شده است.

### نما

نما یکی از موثرترین عناصر تاثیرگذار بر کیفیت فضاهای شهری است که اصلاح آن می‌تواند به بالا رفتن کیفیت منظر عینی شهر منجر شود. شاید یکی از موجزترین و در عین حال دقیق‌ترین عباراتی که در وصف اهمیت منظر شهر زیبا ارائه گردیده است، گفته جین جیکوبز باشد، وی می‌نویسد: «به شهر می‌اندیشید و چه چیز به خاطر خواهد آمد؟ خیابان‌های آن! هنگامی که خیابان‌های شهر زیبا و جالب باشد آن شهر سرزنده، و زمانی که خیابان‌های شهر زشت و خسته‌کننده باشد، آن شهر ملال‌آور به خاطر آورده خواهد شد. اساساً می‌توان اذعان داشت که تصور ذهنی شهروندان از بناها، بر پایه نماهای آنها شکل می‌گیرد. به همین ترتیب نمای خارجی بناها، بر محور فرم و کیفیت، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های ارزیابی و تاثیرگذاری بر تصویر ذهنی شهروندان در معماری قلمداد می‌شود» (شارل ۱۳۸۲، ۲۹). نما با تمام پیش‌افتادگی ظاهری‌اش مانند هر پدیده دیگر از پیچیدگی خاص خود برخوردار بوده و می‌بایستی در حد لازم به سیر تحول عوامل و شرایط تاثیرگذار بر آن توجه نمود. مدیریت نما و سیمای شهری در شهرهای جدید نقش مهمی را در ایجاد تصویری مشخص از شهر ایفا می‌کند. به عبارتی تاثیرگذاری نما در شکل دادن به هویت و شخصیت یک شهر غیرقابل انکار می‌باشد. نما موضوعی است که از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از دیدگاه‌هایی که با آن می‌توان نما را مورد تحلیل قرار داد، شناخت مولفه‌های شکل‌دهنده نما در چهار بعد زیر است که قابل ارزیابی می‌باشد:

- زیبایی شناسی و ادراک
- هویت و بیان
- زیست محیطی و بستر
- ساختار و سازه (امان پور ۱۳۹۶، ۱۰۴).

زیباشناسی از یک طرف همانند روان‌شناسی، با حالات و عوالم درونی انسانی، یعنی ادراک و عاطفه، غم و شادی، زیبایی و اراده و غریزه سروکار دارد و از طرف دیگر، مفهوم و احکام آن به شدت نسبی است (یوسفیان ۱۳۷۹، ۱۷). لذا دو رویکرد عینی و ذهنی به تفکیک قابل بررسی می‌باشند. ادراک فرآیندی ذهنی که طی آن تجربیات حسی معنادار می‌شوند. به طور کلی می‌توان گفت که برای درک بصری یک تصویر در ابتدا «احساس» آن و پس از آن «درک حسی» تصویر منعکس شده روی ذهن و در پی آن «ادراک عقلی» نمود مورد رویت، صورت می‌گیرد (بیردزلی ۱۳۶۷، ۱۳).

### بخش‌های عمده نما

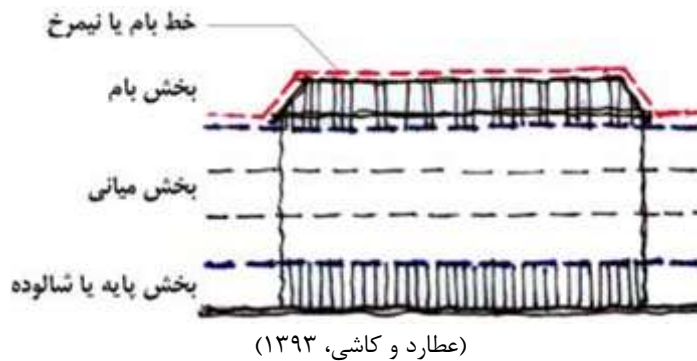
ماتین و همکارانش نمای ساختمان را شامل سه بخش صوری افقی می‌دانند: پایه یا طبقه همکف، بخش میانی یا طبقات اصلی و بام (Moughtin, et all 1999, 25). این سه بخش عمده افقی عبارتند از:

- ۱) بخش شالوده یا پایه که ساختمان را به زمین و کف خیابان مرتبط می‌کند و بخشی از نماست که به وسیله بیننده غالباً مورد توجه واقع می‌شود.
- ۲) بخش میانی با ردیف پنجره‌ها و احتمالاً در برگیرنده طبقه (های) اصلی.
- ۳) بخش بام که ساختمان را به وسیله خط بام به آسمان متصل می‌کند (شکل ۲) (Moughtin et al. 1999, 27).

آنچه ماتین و همکارانش، بخش شالوده یا پایه ساختمان معرفی می‌کنند، همان طبقه همکف است که به نظر توسلی و همکارانش، ورودی‌ها و دیگر عناصر موجود در آن می‌توانند با نوع چیدمانشان، ریتمی افقی ایجاد کنند و به خط بالای طبقه همکف نظم بخشند (Tavassoli & Parsi 2000, 206).

کنج‌ها از منظر بصری از اهمیت بالایی برخوردار هستند، دو جبهه دارند و امکان در نظرگیری ورودی-های بیشتری را برای ساختمان عرضه می‌دارند. کلیف ماتین و دیگران عقیده دارند که طراحی کنج، جایی که دو سطح به هم می‌رسند، یک مساله بصری است که

شکل ۲: بخش‌های مختلف نمای ساختمان



(عطارد و کاشی، ۱۳۹۳)

نمای شهری از چهار بخش پایه، میانی، تاج یا بام و کنج تشکیل شده است (عطارد و کاشی ۱۳۹۶، ۱۷۷).

### شاخص‌های نما

می‌توان ادعا نمود که مطابق نظر خلوصی در پژوهشی که در پی بررسی ابعاد زیباشناسی نمای خیابانی انجام داد، جهت ادراک زیبایی نما شاخص‌های عینی و ذهنی نما به طور جداگانه تاثیرگذار و قابل بررسی می‌باشد. چرا که در حوزه‌های معناشناسی و نشانه‌شناسی، «زیباشناسی» به عنوان یک حوزه دلّالی و معنایی در نظر گرفته شده است. لذا می‌توان همچون زیباشناسی که پیشتر گفته شد و در دو رویکرد عینی و ذهنی قابل تفکیک و بررسی بود، شاخص‌های نمای خیابانی را نیز در دو دسته شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی تفکیک و بررسی نمود.

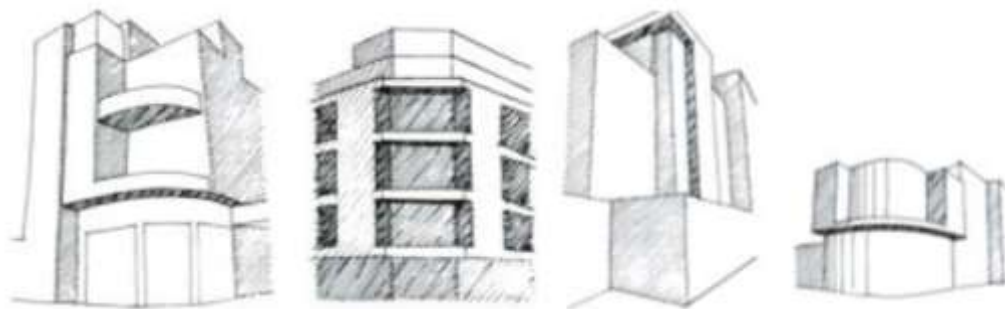
شاخص‌های عینی: عناصر نمای خیابانی که واجد دلالت‌های زیباشناسی هستند، به عنوان عناصر عینی در نظر گرفته می‌شوند (وحدت ۱۳۹۴، ۳۴).

شاخص‌های ذهنی: همچنین معانی که نمای خیابانی القا می‌کند، به عنوان شاخص‌های ذهنی مورد توجه قرار می‌گیرند (وحدت ۱۳۹۴، ۳۴).

فرصتی برای بیان طراحانه با هر عنصر مصنوعی را می‌دهد (Moughtin et al. 1999, 49). توسلی نیز کنج را عامل ارتباط می‌داند: «در طراحی شهری، ترکیب اصلی تقاطع‌ها و کنج‌ها نقش عمده‌ای در ارتباط فضاها باهم دارند. کنج‌ها از جمله عناصر تعریف‌کننده حد و مرز فضاهای شهری است» (Tavassoli et al. 1997, 63) (شکل ۳).

نقش دیگر کنج، متحدکردن دو نمای مجاور است که اغلب به عنوان سطح انحنا دار عمودی یا عنصری متضاد با افقی بودن منظره خیابان، عمل می‌کند (Moughtin et al. 1999, 51). طراحی بی‌ارتباط کنج‌ها با یکدیگر، موجب قطع پیوستگی شکلی نماهای شهری و در نتیجه برهم خوردن آرامش بصری می‌شود (tavassoli et al. 2000, 206). بنابراین موارد گفته شده را اینگونه می‌توان جمع‌بندی کرد که یک نمای شهری، شامل چهار بخش عمده می‌باشد، این بخش‌ها عبارتند از سه بخش افقی (پایه، میانی، تاج) و یک بخش عمودی (کنج) که به دلیل قرارگرفتن در میان دو خیابان، در دو طرف خود می‌باشد. پس می‌توان گفت

شکل ۳: اهمیت کنج‌ها به عنوان عناصر تعریف‌کننده حد و مرز



(عطارد و کاشی، ۱۳۹۳)

های بصری و زیباشناسی خاصی است انجام داده اند، به ترتیب معیارهایی چون: خط نما، نظم، تعادل، تناسبات، سطوح پر و خالی، عرض قطعات، خط اتصال به زمین، تقارن، ارتفاع نما، سطوح شفاف و کدر، ورودی، تنوع، مصالح نما، تزیینات، بازشوها، ریتم، عناصر الحاقی، نورپردازی، مبلمان شهری، رنگ و فرم، را به عنوان معیارهایی که بیشترین تأثیر را در ارزیابی زیبایی نمای خیابان داشته و دارای ارزش زیاد و بسیار زیاد هستند، معرفی می‌کنند (خلوصی و دیگران ۱۳۹۳). از سویی معیارهای عینی خود به دو دسته قابل تفکیک می‌باشند: معیار عینی و عناصر عینی. به این معنا که یک پدیده فیزیکی وجود دارد تحت عنوان «عنصر» قابل رویت که می‌توان آن را از جنبه عینی و بصری مورد قضاوت قرار داد. پس به عبارتی آن چه که وجود دارد و قابل رویت و قضاوت می‌باشد تحت عنوان «عنصر عینی» معرفی می‌شود و قضاوتی که در مورد آن عنصر عینی بیان می‌گردد تحت عنوان «معیار عینی» شناخته می‌گردد.

#### - معیارهای ذهنی زیباشناسی نما

در بررسی بعد «ذهنی» زیباشناسی نمای خیابانی نیز، بحث بسیار است و در این میان خلوصی و همکارانش در تحقیق میدانی که در نمونه موردی خیابان بهار تهران «از جنبه ارزیابی نما از دیدگاه مردم» که واجد ارزش‌های بصری و زیباشناسی خاصی است انجام داده‌اند، به ترتیب معیارهایی چون: آرامش، جذابیت،

بنابراین در صورتی که نمایی بتواند معانی که با توجه به پژوهشی که خلوصی و همکارانش جهت تبیین عوامل موثر بر طراحی بدنه خیابانی مبتنی بر دلالت‌های زیبایی و به طور موردی در خیابان بهار تهران انجام دادند، را القا نماید، می‌تواند حس مطلوبیت را بوجود آورد و موجبات ادراک زیبایی را فراهم نماید. برخی از این معانی عبارتند از: خوانایی، با معنا بودن، اصالت، فرهنگ، جذابیت، خلاقیت، حس وحدت و هماهنگی، زمینه‌گرایی، آرامش و معنویت (لیلیان و دیگران ۱۳۸۸، ۵۵).

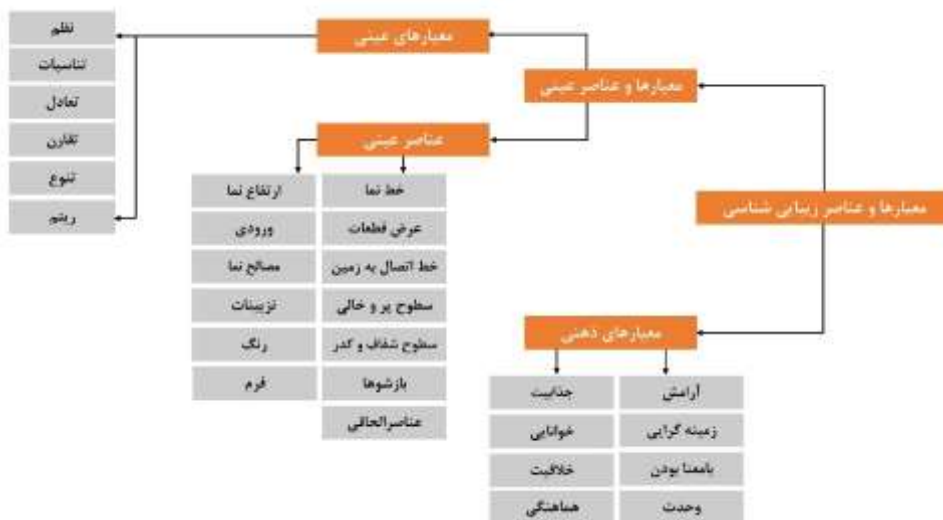
#### معیارهای زیباشناسی نما

از سویی دیگر، در مورد معیارهای زیباشناسی نما نیز بحث و نظر بسیار است ولی در این میان آنچه که بیشتر توسط صاحب نظران مورد توافق نظر می‌باشد این است که معیارهای زیباشناسی نما را می‌توان همچون شاخص‌های نما در دو گروه معیارهای عینی و ذهنی تفکیک و بررسی نمود.

#### - معیارهای عینی زیباشناسی نما

در ارزیابی نمای خیابانی، از جنبه معیارهای عینی و بیان این موضوع که کدام معیار به عنوان معیار عینی مورد شناسایی قرار می‌گیرد نیز مطالعات متعددی صورت گرفته است. در این میان خلوصی و همکارانش در تحقیق میدانی که در نمونه موردی خیابان بهار تهران «از جنبه ارزیابی نما از دیدگاه مردم» که واجد ارزش-

شکل ۴: نمودار شاخص‌ها، معیارها و عناصر زیباشناسی



(مأخذ: نگارنده)

می‌باشند، اما این سه‌گانگی نام‌ها به او نسبت داده می‌شود.

«زمانی فرا می‌رسد که حکومت خداوند در سراسر جهان پهنه بگسترد و همگان در سراسر جهان، اصطلاح پدر و پسر را بکار گیرند چنانکه اغلب این اصطلاح در کتاب مقدس استفاده می‌شود و «خداوند» پدر و پسر را در می‌گیرد این روح بیش از حد زیبا به الوهیت نسبت داده می‌شود» (تاتارکیویچ ۲۰۰۵، ۱۱).

در اینجا دیونوسیوس منابع چندگانه (اصول) را که مربوط به آنهاست ذکر می‌کند و چهار علت ارسطویی، رسمی، نهایی، کارآمد و مادی (همان چیزی که دیونوسیوس به معنای علت اولیه ذکر می‌کند) و به آن پارادایم<sup>۱۰</sup> اضافه می‌کند و دیونوسیوس به این جمله معروف پائولین به این امر تاکید می‌کند «از جانب او و از طریق او، او در همه چیز است» (تاتارکیویچ ۲۰۰۵، ۱۱). دیونوسیوس آریوپاگی شرح می‌دهد که سه نوع از اسامی نشان دهنده خداوند هستند گروه اول شامل اسامی است که به انکار حس ابر انسانی می‌پردازد مانند خوب متعالی، متعالیه الهی، متعالی موجود. گروه دوم شامل اسامی است که حس علیت را در بر می‌گیرند. اما گروه سوم کمی متفاوت‌تر هستند که بین پسر و پدر تمایز قائل نمی‌شود و پدر و پسر را در یک قالب روحی می‌داند. این دسته‌بندی نمونه‌ای از ایده دیونوسیوس را نشان می‌دهد. وی تعالی مطلق را در خداوند می‌داند که در جهان نازل شده و همچنان حضور دارد و امری ناشناخته است. پل رورم می‌نویسد در اولین متن از اسامی الهی «فرودی از سادگی و وحدت خدا» (به عنوان موند و حناد) در تثلیث خداوندی به عنوان شخص، در فعالیت الهی به عنوان تامین‌کننده همه چیز، تامین هماهنگی و زیبایی با دعوت به خیر بشریت برای عروج به مقام خداوندی است. زیبایی یکی از اسامی است که در گروه دوم قرار دارد، خوب، موجود، بخشندگی و ... به همه خیرها نسبت داده می‌شود. دیونوسیوس بین مشارکت و زیبایی نیز تفاوتی قائل نمی‌شود و زیبایی را مانند مشارکت می‌داند. این بدان معناست که زیبایی در آفرینش مطابق نمونه اولی خود شکل گرفته است و از آنجا که خداوند عامل همه کمالات است، بنابراین این اصطلاح برای تمام شرکت‌کنندگان استفاده می‌شود. دیونوسیوس بین «زیبایی» و «زیبا» تفاوت قائل می‌شود. او زیبا را نامی می‌داند که در زیبایی وجود دارد در حالی که زیبایی خود چیزی از دلیل زیبایی را در بر می‌گیرد. «او همچنان اذعان دارد که تمایزی در ارتباط با علیت

زمینه‌گرایی، خوانایی، بامعنا بودن، خلاقیت، وحدت و هماهنگی را به عنوان معیارهای ذهنی که بیشترین تاثیر را در ارزیابی زیبایی نمای خیابان داشته و دارای ارزش بسیار زیاد هستند، معرفی می‌کنند (خلوصی و دیگران ۱۳۹۳، ۴۸).

پس در یک جمع‌بندی کلی از یک نگاه می‌توان معیارها و عناصر زیباشناسی نما را در شکل ۴ ارائه داد.

### زیباشناسی دیونوسیوس مجعول

آثار دیونوسیوس آریوپاگی<sup>۱۱</sup> بعد از تاریخ مسیحی و به مدد نوشته‌های یونانی شکل گرفت که تا مدت‌ها آنها را متعلق به دیونوسیوس می‌دانستند، هر چند که گمان می‌رود این نوشته‌ها متعلق به او نیست. وی فیلسوفی پیرو افکار افلاطون بوده که در قرن پنجم می‌زیسته است. این مولف گمنام را معمولاً دیونوسیوس مجعول نام‌گذاری می‌کنند. مجموعه آثارش نوشته‌هایی در باب الاهیات است، چون او رساله ای مجزا در باب زیبایی ندارد. اما زیباشناسی در متون و نوشته الاهیاتی بسیار برجسته است. در آنها زیبایی از صفات خداوند شمرده شده است. شرحی کامل از دیدگاه دیونوسیوس در رساله اسماء الهی آمده است، اما در دیگر رساله‌ها به طور اتفاقی اظهار نظرهایی در باره زیباشناسی به چشم می‌خورد. این رساله‌ها شامل مراتب کلیسایی، سلسله مراتب آسمانی و الاهیات عرفانی است.

### زیبایی و اسماء الهی

در ساختار اسامی منتسب به خداوند، زیبایی نقش مهمی را ایفا می‌کند. دیونوسیوس با نام‌های متفاوتی مانند بی‌انتهای، تثلیث، علت و زیبایی خداوند را صدا می‌زند و خرد و زیبایی موجودات را به عنوان علت، مورد ستایش قرار می‌دهد. او موجودات را سرشار از هماهنگی الهی و زیبایی مقدس می‌داند. بنابراین خدا به دلیل موجودات زیبا شناخته می‌شود. این بدان معنی است که علت با ویژگی‌های ایجاد شده نام‌گذاری می‌شود، پس هر چیز مقبول است که ویژگی‌های خاص او را به او نسبت دهیم. هر چیز که او خلق کرده است تاثیراتی است که علت را برای شناخت او معرفی می‌کند. او با بیان اینکه نویسندگان خردمند هنگام ستایش از تمامی تعابیر بهره می‌برند، خوب، زیبا، خردمند و... در نتیجه علت مطابق با اثر باعث نام‌گذاری آن می‌شود. اسامی به کار رفته به نوبه خود هرکدام منحصر به فرد و پر از معانی خاص

در طبیعت، هدف نهایی کلیه مشاجرات سقراط است. وجود او همیشگی است و از بین نمی‌رود، بعد از آن تا حدی زیبا نیست و تا حدودی زشت است. در چنین مقطعی از زمان دیگر چنین نیست و آنچنان تحت تاثیر موقعیت قرار گرفته که به نظر بعضی زیبا و برای دیگران زشت است در حالی که اکثر چیزهای زیبا به شکل خردمندانه‌ای خلق می‌شوند و سپس نابود می‌شوند، نه بیشتر و نه کمتر و تحت تاثیر هیچ چیز نیستند» (دیونوسیوس، قرن پنجم).

خدا را زیبا می‌نامند زیرا او منبع سرشار بی‌نظیری است، برای زیبایی همه چیز می‌باشد و به نظر می‌رسد دیونوسیوس نمی‌تواند به اندازه کافی بر خدا پافشاری کند. او خدا را زیبا و علت هر زیبایی می‌داند. این علت بزرگ خلقت است که جهان را برتر می‌بخشد و همه چیز را در وجود خود نگه می‌دارد. همه موجودات تمایلاتی درون آنها برای زیبایی وجود دارد. تمام موجودات آرزوی زیبایی دارند، بنابراین اصل حرکت شهوانی است، این اشتیاق در حقیقت همان چیزی است که همه موجودات را به وجود آورده و خداوند نیز در برابر زیبایی قرار داده و به سمت آن سوق می‌دهد. او نمونه‌هایی را ذکر می‌کند، این اصول که از قبل از موجودات در وجود خداوندی وجود داشته و در موجودات قرار می‌گیرد.

### خداوند و زیبایی

به دنبال آرمان کلاسیک یونانی (خیرخواهی) دیونوسیوس اغلب از این موارد استفاده می‌کرد، عبارت "خوب و زیبا" در واقع بعد از افلاطون این دو اصطلاح هستند، مترادف است با زیبایی و همان نیکی است. زیبایی به دلیل نقش علی آن در آفرینش باید شناخته شود. زیبایی ممکن است با خوب بودن مشخص شود. زیرا این امر در همه سوق می‌کند و در جلوه‌گری اثرات زیبایی و نیکی به عنوان علت وجودی آنها کمک می‌کند. زیبا است بنابراین خوب هم هست. زیرا همه چیز زیبا و خوب به نظر می‌رسد و هیچ چیز در جهان بدون سهمی از زیبا و زیبایی وجود ندارد. با توجه به این واقعیت که امرار معاش الهی خود نیکی است. تعجب آور نیست که خیر با حقیقت وجود خود، نیکی را به همه چیز گسترش می‌دهد. به همین دلیل است که ابتدا با این نام رفتار می‌شود و این امر غالباً برای ماورای الهی است. خیر سرچشمه همه هستی‌ها و ناب برای هر دو است و به انسان و حیوان هدیه داده می‌شود. آنها خدا را مانند خویش مثال می‌زنند علت این است که خوب رسمی

زیبایی و زیبا وجود ندارد و هر دو در ارتباط با خداوند و علت به کار می‌روند و بیان می‌کند این اصطلاح منشا عشق و شکوفایی و فضل است» (Muller 1918). خداوند نمی‌تواند تقسیمی بین مشارکت و شرکت‌کننده داشته باشد. مانند موجودات آفریده شده که هر دو نام زیبایی برای آن به کار می‌رود. مفهوم زیبایی دیونوسیوس به عنوان حالت کمال در صورت وجود روابط آنقدر یکپارچه و مرتب شده‌اند که یک درخشندگی خاص بدست می‌آورد:

«ما آن را زیبا می‌نامیم که در زیبایی سهم دارد و نام زیبایی را به آن می‌دهیم، ماده‌ای که دلیل زیبایی در همه چیز است. اما زیبا فراتر از وجود فردی به دلیل آن زیبایی نامیده می‌شود. هر آنچه مطابق آنچه هست به همه چیز اعطا می‌کند. زیرا این علت هماهنگی و شکوه در همه چیز است. مانند یک چراغ بر آن می‌تابد همه چیز باعث ایجاد زیبایی اشعه خاص خود می‌شود. از آنجا به آن زیبا گفته می‌شود که همه چیز برای خودش است و همه چیز را در خودش جمع می‌کند» (تاتارکیویچ ۲۰۰۵، ۱۷).

در اینجا مشخص است که خدا علت تناسب و کوه و عظمت در همه چیز است، او همه چیز را به خود فرا می‌خواند. او سرچشمه زیبایی همه موجودات است و به عنوان زیبایی همه را به سمت خود جذب می‌کند. او جایگاه زیبایی واقعی و مطلق را توصیف می‌کند:

«آنها را زیبا می‌نامند زیرا فراتر از همه زیبا و زیبایی هاست، اینگونه است، برای همیشه، غیر قابل تحمل، غیر قابل تغییر، زیبا، اما نه به عنوان چیزی که در حال تولد است. رشد و شکوفایی دارد و سپس می‌میرد. از جهتی دوست داشتنی نیست. آن چیز که زیبا است اکنون زیبا می‌باشد. اما در رابطه با یک چیز است اما به چیز دیگری مربوط نمی‌شود. نمی‌تواند در یک مکان زیبا باشد اما در جای دیگر نه چندان زیبا، برای بعضی زیبا باشند و برای دیگران آه نه! به خودی خود زیبایی ابدی و منحصر به فرد است» (دیونوسیوس، قرن پنجم).

جدا از ویژگی‌هایی که دیونوسیوس ذکر می‌کند شباهت‌های چشمگیری بر صحبت‌های او با افلاطون است:

«هنگامی که مردم درباره عشق در عشق آموزش داده می‌شود و از منظره‌ای به منظره دیگر منتقل می‌شوند چیزهای زیبا در صعود صحیح و منظم، به طور ناگهانی بر او آشکار می‌شود. همان‌طور که در معاملات عشق را به تصویر می‌کشد، زیبای شگفت‌انگیز و زیبایی



که او اعلام می‌کند که خدا منشا و نگهدارنده هدف است. این حرکت دارای سه شکل است: مدور، خطی، مارپیچ دایره، خط و مارپیچ نیز ممکن است با طرح معروف فرآیند علیت جفت شود. در دیونوسیوس هم فهم و هم روح به این شیوه حرکت می‌کند بدین صورت حرکت فهم شرح داده می‌شود:

«ابتدا آنها در یک دایره حرکت می‌کنند در حالی که در همان نقطه با آن نورهایی هستند که بدون آغاز و بدون پایان می‌باشند، از خیر و زیبایی ظهور می‌کنند و سپس در یک خط مستقیم حرکت می‌کنند هنگامی که خارج از مشروطیت هستند و می‌توانند راهنمایی بی وقفه و مختلفی را برای همه افراد ارائه دهند، آنها سرانجام در یک مارپیچ حرکت می‌کنند، حتی زمانی که در زیر آنها قرار می‌گیرند. آنها همچنان به آنچه که هستند ادامه می‌دهند و بی‌وقفه به زیبایی و زیبایی می‌چرخند و خوبی را بدست می‌آورند که ماحصل هویتشان هست» (تاتارکیویچ ۲۰۰۵، ۲۱).

### روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از حیث نوع بنیادی - کاربردی است و از جنبه نوع روش، دارای روش ترکیبی لانه به لانه می‌باشد. برای پاسخ دادن به سوالات تحقیق از روش تحقیق لانه به لانه از نوع کیفی در کمی بهره گرفته می‌شود. در روش کیفی از شیوه داده بنیاد برای کدگذاری استفاده می‌شود و برای کمی شیوه علی-مقایسه‌ای که ابتدا با استخراج مفاهیم از کدگذاری متون و کتب استخراج شده از اندشمندان صورت گرفته است. این بهره‌مندی به قدری ادامه پیدا می‌کند که به اشباع نظری رسیده باشیم، سپس از مقوله‌ها و کدهای استخراج شده در تدوین پرسشنامه بهره گرفته می‌شود. برای صحت و درستی جدول کدگذاری در مرحله قبل از کدگذاری و سپس بعد از کدگذاری از آینده پژوهی توسط متخصصین استفاده می‌شود و روایی پرسشنامه با استفاده از فرمول  $CVI=0.78$  و پایایی با استفاده آلفای کرونباخ  $=0.72$  می‌باشد. برای سهولت از جدول کدینگ از پیش طراحی شده بهره گرفته می‌شود.

تحلیل متون با استفاده از نرم افزار اطلس تی و با استفاده از کدگذاری باز و محوری صورت می‌پذیرد که شامل موارد زیر می‌باشد.

علت همه چیز خوب است. شکل هر موجودی نیکی است که از خداوند دریافت می‌کند. در ارتباط با آنچه بوده است بیش از این در مورد زیبایی به عنوان علت رسمی گفته می‌شود. از این رو نتیجه می‌گیرد که شکل هر چیز از آن است. خوبی‌ها و زیبایی‌های آن به اهمیت به همین ترتیب که خوب و زیبایی دلایل کارآمدی هستند، پس در هر زیبایی قرار دارند. همه موجودات به عنوان پارادایم‌هایی از خداوند قرار دارند و همه موجودات در خوبی و زیبایی شرکت می‌کنند و در زندگی و هستی، خوبی‌ها و زیبایی‌ها دست به دست هم می‌دهند.

«خوب» نیز «نور» نامیده می‌شود که تصویر آن نیز هست و به صورت پرده‌ای نازل شده که همه چیز را قادر به دریافت آن می‌کند و این نور آنها را زنده نگه می‌دارد. آنها را حفظ می‌کند و آنها را به کمال می‌رساند و همه چیز دنبال آن می‌گردند. اندازه‌گیری، ابدیت، تعداد، نظم، همه به آنها باز می‌گردد. بنابراین همه چیزها به خودشان باز می‌گردند. هدف آنها نه فقط برای موجوداتی است که دارای ذهن و خرد هستند بلکه برای آنهایی که فاقد ادراک هستند نیز هدف دارند، حتی برای اشکال بی‌جان. اما این ویژگی‌های خوب فراتر از هر گفتمان عقلانی است، هیچ کلماتی نمی‌تواند خیر را توصیف کند. نوشته‌های او را می‌توان بر گرفته از صحبت‌های افلاطون دانست. افلاطون می‌گوید، خیر خودش ذات نیست اما از ذات فراتر می‌رود و عزت و قدرتش بیش از حد است.

«و در همه چیز مشترک است آن چیز که از او ناشی می‌شوند و آنها را متمایز می‌کنند یکسان بودن و تفاوت آنها، شباهت‌ها و اختلافات آنها به اشتراک گذاشتن مخالفان، نحوه حفظ عناصر آنها، هویت و مشیت الهی آنها، روابط الهی و غیر الهی آنها، بازگشت به سمت پایین‌تر، پایه و اساس همه چیز در میان خودشان است» (تاتارکیویچ ۲۰۰۵، ۲۱).

خوب و زیبایی دلیل حرکت همه موجودات است. زیرا در هر لحظه برای هر موجودی یک هدف بوجود می‌آورد و به حرکت خاصی ترغیب می‌کند. به گفته ارسطو، هر حرکتی نوعی انرژی است نه کامل، این به این دلیل است که پایانی برای خودش ندارد بلکه هدایت می‌شود و به سمت خارج از خود خاتمه می‌یابد. در مورد دیونوسیوس پایان خوب است، او زیبایی را در خداوند می‌داند، کسانی که پیرو ارسطو می‌باشند هدف اصلی را در قطع حرکت می‌دانند و این آرامش نهایی در فعالیت نهایی حرکت است. این آرامش و استراحت برای دیونوسیوس در خدا یافت می‌شود و به همین دلیل است

## کدگذاری باز

کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها آن ابعادها در داده‌ها کشف می‌شوند (Lee & Moudon 2004, 149). در این مرحله نظریه داده بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را بوسیله بخشبندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر داده‌های جمع‌آوری شده نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد (Creswell 2005, 397).

## کدگذاری محوری

فرایند ربطدهی مقوله‌ها به زیر مقوله و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. اتراوس در مرحله کدگذاری محوری از چند اقدام اساسی بحث کرده که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است (Lee & Moudon 2004, 150).

در مرحله کمی از نرم افزار Spss برای تحلیل نتایج پرسشنامه و همچنین آزمون‌های پیش‌بین بهره گرفته می‌شود.

## نمونه‌گیری

این بخش شامل دو نمونه‌گیری متفاوت در حوزه کمی و کیفی می‌باشد:

### - نمونه‌گیری کیفی

نمونه‌گیری کیفی نخست از ۲۰ متخصصی که اشراف کامل به موضوع زیبایی و آثار دیونوسیوس مجعول دارند و به صورت گلوله برفی انتخاب شدند، خواسته شد که به نماهای معرفی شده، آنهایی که دارای ارزش بررسی زیبایی دیونوسیوس هستند و مرتبط با زیبایی آن هستند، نمره ۱ تا ۱۰ بدهند و آنهایی که بالای ۵ بودند، برگزیده شده و دوباره به متخصصین برای تایید انتخاب آنها ارجاع داده شد. در گام بعدی جهت کدگذاری متون ۳۵ کتاب معرفی شده در ارتباط با دیونوسیوس و همچنین از ۲۷م به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید. مطابق با اصول گراند تئوری، پس از بررسی متون اولین کتب، نسبت به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها اقدام می‌شود.

### جدول ۳: مراحل کدگذاری محوری

۱	بیان کردن ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد آن، اقدامی که حین کدگذاری باز شروع می‌شود.
۲	شناسایی شرایط گوناگون، کنش یا بر هم کنش‌های گوناگون و پیامدهای گوناگون مربوط به یک پدیده.
۳	ربطدهی یک مقوله به زیر مقوله‌هایش از طریق گزاره‌هایی که چگونگی ربط آنها به همدیگر را مطرح می‌کند.
۴	جستجوی سرنخ‌هایی در داده‌ها که بر چگونگی ربطدهی‌های ممکن مقوله‌های اصلی به هم دلالت دارد.

(مأخذ: Lee & Moudon 2004, 149)

### جدول ۴: کتب استخراج شده توسط متخصصین برای استخراج متون

دوره	نام معمار	دهه یا سال ساخت	نام خانه
	هوشنگ سیحون	دهه ۵۰ شمسی	کلبه بیلاقی سیحون
		دهه ۵۰ شمسی	خانه دولت آبادی
	علی اکبر صارمی	۱۳۵۳-۱۳۵۵	خانه افشار
		۱۳۱۳	ویلای آقای پناهی
	گابریل گورکیان	۱۳۱۴	ویلای آقای سیاسی
		۱۳۱۵	ویلای آقای خسروانی
مونه های برگزیده شده قبل از انقلاب	وارطان هوانسیان	۱۳۲۷	خانه مسکونی واقع در خیابان طالقانی
		۱۳۳۲	خانه دکتر باهر
دوره اول	پل آبکار (ساختمان های آجری)	۱۳۳۰	خانه میردامادی
		۱۳۳۰	خانه پولوار
	پل آبکار (سایر ساختمان های مسکونی دوره دوم)	نامعلوم	خانه خیابان فرصت
		۱۳۳۰	خانه خیابان ورشو

دوره	نام معمار	دهه یا سال ساخت	نام خانه
		۱۳۳۴	خانه مرادیان
	مارسل دوپول	۱۳۳۰	ویلا پناهی
	علی اکبر صادقی	۱۳۲۰	خانه خیابان صادق
	داوید اوشانا	۱۳۴۴	ویلا خانم بی دنی (ویلا میدان الف)
	جو پوتنی	۱۳۳۹	ویلا نمازی
	مهدی علیزاده	۱۳۵۲-۱۳۵۰	خانه کوه بر
	ایرج کلاتری	۱۳۴۳	خانه نجف دریابندری
	مجتبی تسلط، حسین نمازی	۱۳۹۵-۱۳۹۴	ویلا چمن
	بیژن شافعی- ناهید بریانی	۱۳۷۷-۱۳۷۵	عمارت مسکونی مزده
	مزگان و گیسو حریری	۱۳۹۴-۱۳۹۰	ویلا لواسان
	احسان ملکی	۱۳۹۵-۱۳۹۴	آپارتمان لواسان
	علی نقوی خمینی	۱۳۹۶-۱۳۹۴	آپارتمان ۱۱۱
	امیر افغان	۱۳۹۶-۱۳۹۲	ویلا رودسار
	علیرضا تغابنی	۱۳۸۶-۱۳۸۵	خانه برای یک دوست
		۱۳۹۵-۱۳۹۳	ویلا دو گانه صفا شت
		۱۳۶۹	خانه کامرانیه
		۱۳۷۵	خانه امیری
	فرامرز شریفی	۱۳۸۴	ویلا گلندوک
	رضا نجفیان	۱۳۹۲	خانه افشاریان
نمونه های برگزیده شده بعد از انقلاب	سهراب رفعت	۱۳۹۳-۱۳۹۱	خانه ای به یاد رستم و سهراب
	مهدی گرامی	۱۳۹۱-۱۳۸۷	خانه باغ یزد
	هانیه علیزاده	۱۳۹۴-۱۳۹۱	خانه بزرگمهر
	مجید فتوره چپانی	۱۳۹۶-۱۳۹۳	خانه چند عملکردی کبوتر
	سارا کلاتری	۱۳۹۴-۱۳۹۲	خانه صبا
	مسح فضیله	۱۳۹۵-۱۳۹۲	خانه کوچک
	مصطفی امید بخش	۱۳۹۴	خانه ما گلستانه
	شروین حسینی	۱۳۹۴-۱۳۹۳	خانه مسکونی باغ جنت
	عبدالرضا قماشچی	۱۳۹۴-۱۳۹۱	خانه مسکونی ۹۱۱
	مریم قدوسی	۱۳۹۳	ویلا پورکان
	محمد مرعشی	۱۳۹۷-۱۹۳۶	ویلا شماره ۱۲
	رضا دانشمیر	۱۳۹۰	خانه دو پوسته

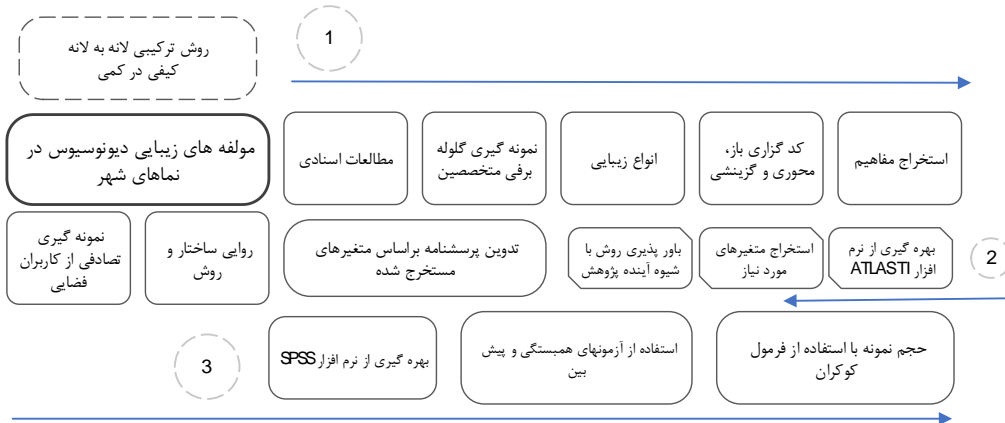
(مأخذ: نگارنده)

خیلی کم» از سوی هر متخصص در نظر گرفته شد و جهت به حداقل رساندن هزینه و زمان، پرسشنامه در میان نمونه تصادفی از جامعه آماری متخصصین آشنا به حوزه زیبایی و دیونوسیوس به صورت اینترنتی توزیع گردید. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان انتخاب شد که شامل ۳۷۶ نفر می‌باشد که به تناسب جمعیت و تفکیک زن و مرد و به صورت تصادفی در کاربران فضایی توزیع گردید. نمودار کلی روند پژوهش به شرح نمودار ۱ می‌باشد.

- نمونه‌گیری کمی

در گام بعدی، بنا به استخراج متون مختلف که در باب دیونوسیوس مجعول نوشته شده بودند متغیرهای گوناگون استخراج شده، به صورت پرسشنامه بسته با پاسخ‌های پنج درجه‌ای طیف لیکرت، پرسشنامه تدوین شد. ساختار پرسشنامه شامل سؤالاتی در رابطه با سؤال اصلی پژوهش، یعنی کدام یک از نشانگرهای زیبایی در آثار دیونوسیوس دارای تاثیر بیشتری بوده است و در راستای پاسخگویی به آن بود. به منظور انجام محاسبات، نمره ۵ برای «تاثیر خیلی زیاد» و نمره ۱ برای «تاثیر

نمودار ۱: روند کلی پژوهش



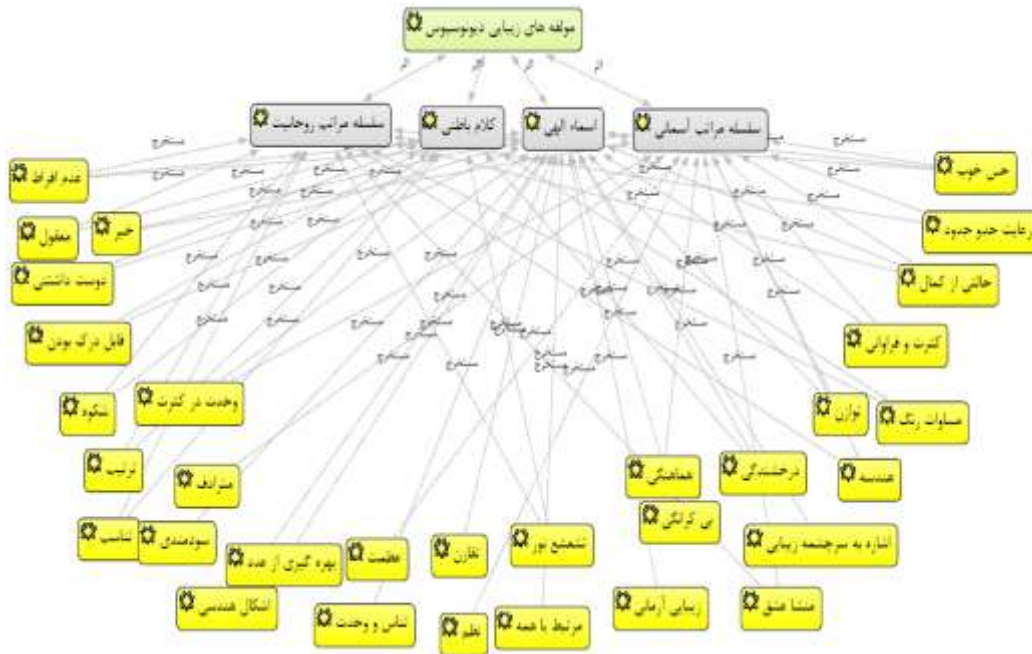
(مأخذ: نگارنده)

یافته های پژوهش

سپس در این مرحله پرسشنامه با طیف لیکرت طراحی می‌گردد و در اختیار کاربران فضایی قرار می‌گیرد و نتایج مورد تحلیل قرار می‌گیرند. طبق آمار توصیفی ۲۵۳ نفر (۷۲،۱٪) از جامعه نمونه، مرد و ۹۸ نفر (۲۷،۹٪) زن بوده و بیشتر این مخاطبین دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند. در این قسمت، طبق مولفه‌های زیبایی مستخرج شده از آثار متنی مختلف دیونوسیوس، به این تحلیل‌ها پرداخته می‌شود. روش کار چنین است که به تعداد مولفه‌های زیبایی (۱ عدد)، سؤال طراحی شده و هر سؤال پاسخی بین

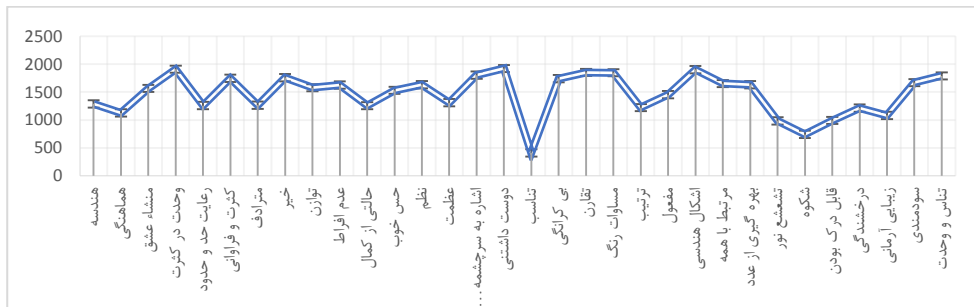
از مجموع آثار دیونوسیوس که شامل کلام باطنی، اسماء الهی و سلسله مراتب آسمانی است، تعداد ۳۱ کد استخراج گردید و مشخص گردید که بیشترین آثاری که در آن به زیبایی اشاره شده است، رساله اسماء الهی می‌باشد که تعداد ۲۲ کد از آن استخراج گردید. در مجموع از تمامی کدهای استخراج شده، پر تکرارترین مربوط به حالتی از کمال با ۱۸ تکرار، حس خوب با ۱۶، درخشندگی ۱۶، کثرت در وحدت ۱۵ و کم تکرارترین مربوط به مولفه معلول و زیبایی آرمانی با تکرار ۱ است.

شکل ۵: مولفه‌های استخراج شده از زیبایی دیونوسیوس مجعول



(مأخذ: نگارنده)

نمودار ۲: فراوانی مولفه‌های زیبایی در نماهای شهر



(مأخذ: نگارنده)

جدول ۵: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای زیبایی دیونوسیوس در نماهای شهری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	p
مولفه‌های زیبایی	۲۷/۷۷	۳/۲۲	۰/۷۹۳	۰/۵۵۵

(مأخذ: نگارنده)

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای مولفه‌های زیبایی معنادار است ( $p=0/555$ )، و بنابراین متغیرهای زیبایی دیونوسیوس دارای توزیع نرمالی نیستند و می‌توان از تحلیل‌های ناپارامتریک برای آنها استفاده کرد. جدول فوق همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد بین مولفه‌های زیبایی دیونوسیوس و نماهای شهری، در سطح  $0/01$  همبستگی مثبت معنی‌داری نشان می‌دهد.

طیف ۱ تا ۵ دارا می‌باشد. مجموع نمرات شاخص‌های یک فاکتور به معنای امتیازی است که هر فرد به به میزان هر زیبایی در نماهای شهری داده است. پس نمره قابل کسب هر کیفیت بین ۵ تا ۲۵ متغیر می‌باشد. براین اساس دسته‌بندی ایجاد می‌کنیم، بدین‌صورت که افرادی که مجموعاً نمره ۵ تا ۱۱ به یک فاکتور داده‌اند، آن را ضعیف برآورد کرده، امتیاز ۱۲ تا ۱۸ نظری متوسط و ۱۹ تا ۲۵ نظری خوب نسبت به آن دارند. مهم‌ترین نشانه‌های زیبایی به کار رفته در نمودار فراوانی به شرح زیر می‌باشند. از نظر توزیع فراوانی و سهم بیشتر هر فراوانی، وحدت در کثرت با مقدار (۱۹۰۸)، دوست داشتنی (۱۹۲۰)، اشکال هندسی (۱۹۰۱) و اشاره به سرچشمه زیبایی (۱۸۰۲) و کمترین مربوط به تناسب با مقدار (۴۱۱) و شکوه با مقدار (۷۴۱) است. برای بررسی نوع پارامتریک و ناپارامتریک بودن داده‌ها از Two-Sample Kolmogorov-Smirnov Test بهره گرفته می‌شود.

جدول ۶: جدول همبستگی اسپیرمن مولفه‌های زیبایی دیونوسیوس

بعد	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (sig)
مولفه‌های زیبایی نماهای شهری	هندسه	۰/۸۶۴	۰/۰۰۰
	هماهنگی	۰/۴۸۱	۰/۰۰۰
	منشاء عشق	۰/۷۴۵	۰/۰۰۰
	وحدت در کثرت	۰/۸۵۳	۰/۰۰۰
	رعایت حد و حدود	۰/۹۴۶	۰/۰۰۰
	کثرت و فراوانی	۰/۸۷۱	۰/۰۰۰
	مترادف	۰/۸۳۱	۰/۰۰۰
	خیر	۰/۸۸۳	۰/۰۰۰
	توازن	۰/۸۷۳	۰/۰۰۰
	عدم افراط	۰/۶۲۳	۰/۰۰۰
	حالتی از کمال	۰/۵۳۶	۰/۰۰۰
	حس خوب	۰/۶۲۰	۰/۰۰۰
	نظم	۰/۴۶۵	۰/۰۰۰

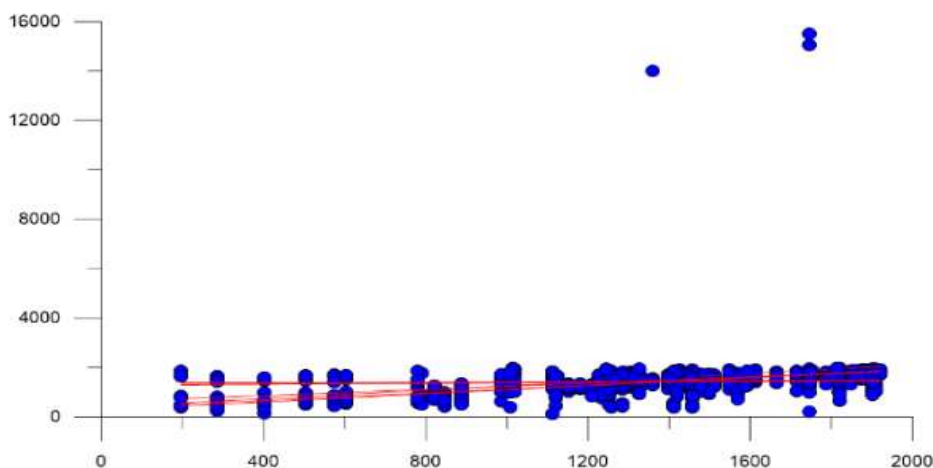
بعد	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری (sig)
	عظمت	۰/۵۸۰	۰/۰۰۰
	اشاره به سرچشمه زیبایی	۰/۷۱۵	۰/۰۰۰
	دوست داشتنی	۰/۷۱۱	۰/۰۰۰
	تناسب	۰/۸۴۳	۰/۰۰۰
	بی کرائگی	۰/۷۱۱	۰/۰۰۰
	تقارن	۰/۶۶۲	۰/۰۰۰
	مساوات رنگ	۰/۷۱۱	۰/۰۰۰
	ترتیب	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰
	مفعول	۰/۴۶۵	۰/۰۰۰
	اشکال هندسی	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰
	مرتبط با همه	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰
	بهره گیری از عدد	۰/۷۸۸	۰/۰۰۰
	تشعشع نور	۰/۴۲۱	۰/۰۰۰
	شکوه	۰/۳۶۵	۰/۰۰۰
	قابل درک بودن	۰/۴۷۵	۰/۰۰۰
	درخشندگی	۰/۸۱۸	۰/۰۰۰
	زیبایی آرمانی	۰/۶۲۳	۰/۰۰۰
	سودمندی	۰/۶۵۶	۰/۰۰۰
	تناس و وحدت	۰/۹۶۵	۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارنده)

چندگانه خطی می‌باشند. پس بهره‌گیری از رگرسیون چندگانه خطی صحیح می‌باشد. در رگرسیون چند متغیره از روش گام به گام برای ورود کلیه متغیرهای مستقل برای تبیین مولفه‌های زیبایی استفاده شده است. مقدار آمار دوربین واتسون برابر با ۱،۹۹ است که نشان می‌دهد باقیمانده‌ها با هم همبستگی ندارند و از هم مستقل‌اند.

از آزمون پیش‌بین رگرسیون برای سهم‌بندی هر یک از عوامل بهره گرفته می‌شود. برای استفاده از نوع رگرسیون خطی و یا چند متغیره از نمودار ماتریس همبستگی درونی متغیرها استفاده می‌شود. پس از ترسیم نمودار ماتریس همبستگی مشخص گردید، عوامل فاقد رابطه تک خطی می‌باشند و دارای رابطه‌های

نمودار ۳: همبستگی متغیرهای گوناگون زیبایی دیونوسیوس در نماهای شهری



(مأخذ: نگارنده)

جدول ۷: مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل برای تبیین مولفه‌های زیبایی دیونوسیوس در نماهای شهری

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین (R Square)	مقدار آزمون F	مقدار آزمون T	سطح معناداری	مقدار ثابت
گام به گام	0/372	0/138	37/224	۲/۸۸۴	۰/۰۰۰	1/955

(مأخذ: نگارنده)

اهمیت نسبی حضور هر متغیر در مدل می‌باشد. بدین ترتیب که اگر قدر مطلق مقدار t بیشتر از ۲،۸۸۴ باشد، سطح خطای آن کوچک‌تر از ۰،۰۱ خواهد بود. در نتیجه متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد. بر این اساس، متغیرهایی که وارد مدل شده‌اند تأثیر معنی‌داری در تبیین مولفه‌های زیبایی دیونوسیوس دارند و تأثیرات متغیرهای دیگر تقریباً ثابت است.

در ادامه به دنبال آن خواهیم بود که زیبایی نماهای شهری به چه میزان تحت تأثیر مؤلفه‌های زیبایی دیونوسیوس خواهد بود. در جدول ۸ این امر برای هر متغیر نشان داده شده است که ضریب تعیین نشان دهنده سهم هر متغیر در بعد مورد نظر می‌باشد و این عدد بین ۰ تا ۱ متغیر است.

با توجه به جدول ۷، ضریب همبستگی مدل رگرسیون گام به گام متغیرهای مورد بررسی برای تبیین مولفه‌های زیبایی برابر با ۰،۳۷۲ است. مقدار F دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی پژوهش، مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته مولفه‌های زیبایی است. همچنین میزان مقدار ثابت نشان می‌دهد که اگر تأثیر متغیرهای مستقل کنترل شوند، مقدار پایه مولفه‌های حس مکان برابر با ۱،۹۵۵ است. لازم به ذکر است هماهنگی، تناسب، مساوات رنگ، اشکال هندسی و قابل درک بودن (۱/۰۰۰) اولین متغیرهایی بودند که وارد مدل شده است و بیشترین رابطه را با زیبایی نماهای شهری دارند و کثرت و فراوانی با مقدار (۰/۳۸۳)، تقارن (۰/۴۶۷) و مفعول (۰/۴۲۷) نیز آخرین متغیری بود که وارد مدل شده بود و کمترین رابطه را با زیبایی نماهای شهری دارد. مقدار t و سطح معناداری نشان‌دهنده

جدول ۸: کتب استخراج شده توسط متخصصین برای استخراج متون

مقیاس	ضریب تعیین	F	B	$\beta$	t	معناداری	درجه آزادی
هندسه	۰/۶۱۵	۵۲۷/۲۲۲	۱/۰۰۰	۰/۷۸۱	۴۶/۵۲۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
هماهنگی	۱/۰۰۰	۴۰۵/۱۲۲	۱/۰۰۰	۰/۷۳۲	۴۲/۱۵۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
منشاء عشق	۰/۸۴۶	۲۱۷/۳۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۴۰/۲۲۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
وحدت در کثرت	۰/۷۴۶	۱۹۹/۹۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۴۸	۳۸/۲۳۹	۰/۰۰۰	۳۸۳
رعایت حد و حدود	۰/۷۶۲	۲۰۱/۶۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۴	۸/۹۵۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
کثرت و فراوانی	۰/۳۸۳	۶۴۳/۶۲۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۱۱/۱۳۴	۰/۰۰۰	۳۸۳
مترادف	۰/۷۵۳	۸۴۹/۶۸۳	۱/۰۰۰	۰/۶۵۲	۱۸/۴۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
خیر	۰/۸۴۲	۳۴۹/۶۰۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۵	۱۹/۱۴۴	۰/۰۰۰	۳۸۳
توازن	۰/۵۷۱	۱۸۴/۹۴۵	۱/۰۰۰	۰/۴۸۳	۴۹/۱۷۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
عدم افراط	۰/۷۷۰	۲۷۶/۷۴۸	۱/۰۰۰	۰/۴۶۴	۴۷/۹۶۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
حالتی از کمال	۰/۷۹۵	۱۹۹/۹۴۳	۱/۰۰۰	۰/۴۵۲	۴۶/۲۲۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
حس خوب	۰/۸۹۳	۴۹۹/۰۳۴	۱/۰۰۰	۰/۴۶۳	۴۷/۲۲۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
نظم	۰/۴۶۷	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
عظمت	۰/۷۵۰	۴۸۹/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۷۲۰	۲۵/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
اشاره به سرچشمه زیبایی	۰/۶۷۴	۴۸۹/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۵۴۳	۱۹/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
دوست داشتنی	۰/۵۶۷	۴۸۹/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۲۰	۱۸/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
تناسب	۱/۰۰۰	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
بی‌کرانگی	۰/۷۳۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
تقارن	۰/۴۶۷	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
مساوات رنگ	۱/۰۰۰	۶۴۵/۷۱۵	۱/۰۰۰	۰/۷۲۰	۲۵/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
ترتیب	۰/۶۷۴	۵۴۶/۷۱۲	۱/۰۰۰	۰/۵۴۱	۱۹/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳

مقیاس	ضریب تعیین	F	B	$\beta$	t	معناداری	درجه آزادی
مفعول	۰/۴۲۷	۳۱۸/۷۳۲	۱/۰۰۰	۰/۳۹۴	۱۸/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
اشکال هندسی	۱/۰۰۰	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
مرتبط با همه	۰/۷۳۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
بهره گیری از عدد	۰/۴۹۶	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
تشعشع نور	۱/۰۰۰	۶۴۵/۷۱۵	۱/۰۰۰	۰/۷۲۰	۲۵/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
شکوه	۰/۶۷۴	۵۴۶/۷۱۲	۱/۰۰۰	۰/۵۴۱	۱۹/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
قابل درک بودن	۱/۰۰۰	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
درخشندگی	۰/۷۸۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
زیبایی آرمانی	۰/۵۴۶	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
سودمندی	۰/۶۳۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
تناس و وحدت	۰/۴۵۷	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳

(مأخذ: نگارنده)

### نتیجه گیری

بتواند در ذهن مخاطبین طرحواره تشکیل دهد نقش تعیین کننده‌ای در خلق زیبایی یک اثر دارد.

همچنین قوانین اصلی در نماها مانند تناسب، اشکال هندسی و ... دارای بیشترین سهم زیبایی مانند قابل درک بودن می‌باشد و به طور کلی برای بهره‌وری زیبایی در نماها راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- توجه به استفاده از احجام ساده برای طرح کلی بنا و ساده نمودن این طرح در جبهه‌های مورد بازدید بصری مخاطب.
- ترکیب احجام ساده در طرح کلی و اجزای بنا در جهت بهره‌گیری از بافت، رنگ و نوع مصالح در جهت افزایش حس بصری در دریافت احجام به صورت خالص.
- به کارگیری مصالح به صورت خالص و قابل ادراک توسط ناظران.
- به کارگیری احجام با زاویه ۹۰ درجه و بر پایه مکعب با تبدیل گوشه‌های نرم بنا به تیزگوشه و قائم‌سازی قسمت‌های زاویه‌دار.

### منابع

- احمدی، بابک. ۱۳۷۴. حقیقت و زیبایی: درس‌های فلسفه‌ی هنر. تهران: انتشارات مرکز.
- آکو، اومبرتو. ۱۳۹۰. تاریخ زیبایی. ترجمه هما بینا. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- ایلخانی، محمد و کریم مجتهدی. ۱۳۸۹. جایگاه توماس آکوئیناس در تاریخ فلسفه. کتاب ماه فلسفه. (۳۳)

دیونوسیوس مجعول یکی از فلاسفه تاثیرگذار در حوزه‌های مختلف هنر می‌باشد که شاگردان بسیاری در اشاعه تفکرات او نقش داشته‌اند. پس از بررسی کتب نوشته شده توسط اندیشمندان و استخراج نشانگرها از متون با روش گراند تئوری مشخص شد که متغیرهای مستخرج شده نشانگر تاثیر مستقیم نظریات وی در باب زیبایی در بناهای مدرن و ذهن و تفکر طراحان معماری در حال است. برای القای زیبایی در نماهای شهری، از نظر کاربران فضایی باید این نماها دارای اشکال هندسی باشند و از نظر آنها نماهای فاقد اشکال هندسی زیبا نبوده و این اشکال باید از تناسب هندسی بهره ببرند. از طرفی تاکید آنها بر درک این هندسه و شفاف بودن در فهم اشکال هندسی می‌باشد و به ما می‌آموزد که هندسه به کار گرفته باید ساده و بدیع باشد تا بتواند مخاطب را جذب کند و نکته حائز اهمیت این امر است که عناصر به کار گرفته شده اگر دارای تکرار و یا ریتم خاص باشند، به زیبایی نه تنها نمی‌افزایند بلکه باعث کاهش آن نیز می‌شوند. قوانین ساده تقارن و دیگر قوانین گشتالت نمی‌تواند دلیلی بر زیبایی یک شی یا شکل باشد و همچنین نماها باید دارای هندسه قابل فهم در اشکال قابل فهم برای ارائه زیبایی باشند.

در این پژوهش قوانینی که بنیان و هسته اصلی تناسب را تشکیل می‌دهند را می‌توان از نوشته‌های دیونوسیوس مجعول استخراج کرد و در مورد نماهای شهری مورد بررسی قرار داد. مشخص شد که مخاطبین فضایی اشکال و احجامی را که نتوانند درک کنند و یا نتوانستند ارتباطی بین احجام آن از لحاظ فرمی پیدا کنند، زیبا ندانسته‌اند و قابل فهم بودن به حدی که



- Krier, R. 1997. Elements of Architecture. (Z. Ahari, Trans.). Tehran: BHRC.
- Krier, R. 2007. Urban Space. (Kh. Hasheminejad, Trans.). Isfahan: Khak Publication
- Lee Chanam & Anne Vernez Moudon. 2004. Physical activity and environment research in the health field: Implications for urban and transportation planning practice and research. Journal of Planning Literature, 19(2), 147-181.
- Moughtin, J.C., Taner OC & S. Tiesdell. 1999. Urban Design: Ornament and Decoration. 2nd Ed. Architectural Press.
- Müller, Herman Friedrich. 1918. Dionysios, Proklos, Plotinos: ein historischer Beitrag zur neuplatonischen Philosophie. Münster: Aschendorff.
- Pakzad, J. & H. Asadi Khonsar. 2008. Design Guide for Urban Spaces in Iran. Tehran: Shahidi Press.
- Tavassoli, M. 1997. Urban Space Design Rules and Criteria. Tehran: UARC.
- Tavassoli, M. & H. Parsi 2000. Urban Design, Kargar Street, Tehran. Tehran: Civil and Urban Improvement Company.
- بیردزلی، مونروسی و جان هاسپرس. ۱۳۶۷. تاریخ و مسائل زیباشناسی. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: انتشارات هرمس.
- پاپاس، نیکلاس، استفن دیوید راس و یان آرتسن. ۱۳۸۶. زیبایی. ترجمه هنرور شجاعی. مجله زیبا شناخت. شماره ۱۷.
- پارسا، علیرضا. ۱۳۹۵. زیبایی شناسی یونان. پژوهش‌های فلسفی. شماره ۱۹.
- تاتارکیویچ، ووادیسواف. ۲۰۰۵. زیبایی‌شناسی ارسطو. ترجمه سیدجواد فندرسکی. تاریخچه زیبایی. نوبت اول. ۱۳۸-۱۴۷.
- خلوصی، امیرحسین، مصطفی بهزادفر و مریم محمدی. ۱۳۹۳. تبیین عوامل مؤثر بر طراحی بدنه خیابانی مبتنی بر دلالت‌های زیبایی‌شناسانه نمونه موردی: خیابان بهار، منطقه ۷ شهرداری تهران. معماری و شهرسازی پایدار. (۱)۲. ۲۷-۴۲.
- شارل، ورنر. ۱۳۸۲. حکمت یونان. ترجمه بزرگ نادرزاده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صارمی، حمیدرضا. ۱۳۸۴. تجلی در عرفان اسلامی. تهران: انتشارات فرهنگستان.
- صارمی، حمید رضا و محمد امین شاه‌محمدی دانشور. ۱۳۹۳. پیش‌درآمدی بر حکمت هنر اسلامی. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- عطارد، فرانک و حسین کاشی. ۱۳۹۶. عناصر تشکیل‌دهنده نماها و جداره‌های شهری. فصلنامه آرمانشهر. ۱۰(۲۱). ۱۷۳-۱۹۲.
- لیلیان، محمدرضا، آرین امیرخانی و مجتبی انصاری. ۱۳۸۸. جستاری بر مبانی و مفاهیم زیبایی‌شناسی و تبلور آن در ساختارهای معماری. کتاب ماه هنر. (۱۳۷). ۵۰-۵۵.
- معین، محمد. ۱۳۷۶. فرهنگ کامل فارسی معین. تهران: انتشارات فردوس.
- وحدت، سلمان، حسن سجاذاده و مهرداد کریمی مشاور. ۱۳۹۴. تبیین ابعاد مؤثر بر منظر خیابان در جهت ارتقای خوانش منظر فضاها شهری؛ مطالعه موردی: خیابان‌های بافت مرکزی شهر همدان. مطالعات شهری. ۴(۱۵). ۱۷-۳۶.
- Anonymous Author. (5th Century). Pseudo-Dionysius the Areopagite.
- Creswell, J.W. (Facilitator). 2005. Mixed Method, Conducting and evaluating Quantitative and qualitative research, upper saddle river. Pearson Education

#### پادداشته‌ها

- <sup>1</sup> Pseudo-Dionysius
- <sup>2</sup> Neoplatonism
- <sup>3</sup> De Divinis Nominibus
- <sup>4</sup> De Mystica Theologia
- <sup>5</sup> De Coelesti Hierarchia
- <sup>6</sup> De Ecclestialical Hierarchia
- <sup>7</sup> Kalon
- <sup>8</sup> Plato
- <sup>9</sup> Dionysius Areopagus
- <sup>10</sup> Paradigm